

پژوهشنامه ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان  
سال شانزدهم شماره 31 پاییز و زمستان 1397 (صص ۱۰۶-۸۷)

## معرفی، نقد و تحلیل یوسف و زلیخای ناظم هروی

۲- یونس جلوداری

۱- رحمان ذبیحی

### چکیده

یوسف و زلیخا از مشهورترین داستان‌های غنایی ادبیات سامی است که در کتاب مقدس و قرآن کریم نقل شده و در تاریخ ادبیات فارسی بارها به نظم درآمده است. یکی از سرایندهان این داستان ناظم هروی (م: 1081 ه.ق.) است که منظومه او با روایت قرآن کریم واجد برخی تفاوت‌ها است. این تفاوت به منشأ داستان در کتاب مقدس و تأثیرپذیری مفسران و مؤلفان قصص الانبیاء از آن و ورود این عناصر به منظومه‌هایی چون یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی و جامی بر می‌گردد که بر شاعران ادوار بعد اثر گذاشته‌اند. کثرت تصویرسازی، نوآوری در تصاویر، غلبه استعاره، وفور و تنوع ترکیبات نوآیین و نزدیکی به زبان رایج روزگار، از مهمترین ویژگی‌های یوسف و زلیخای ناظم هروی است که در پیوند با روایت جذاب و قدرت شاعر در عرضه قصه، آن را به یکی از موفق‌ترین منظومه‌های غنایی تبدیل کرده است. سؤال اصلی این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته این است که ناظم هروی کیست و سرچشمه روایت متفاوت منظومه یوسف و زلیخای او از کجاست و ارزش‌های روایی، زبانی و بلاغی این منظومه چیست؟

**کلید واژه‌ها:** ناظم هروی، یوسف و زلیخا، روایت داستان، منابع روایت، عناصر شعر.

### 1- مقدمه

شعر غنایی که بیانگر عواطف انسان با زبانی شورانگیز است و در ادبیات فارسی مصداق‌های

Email: r.zabihi@ilam.ac.ir

۱- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)

Email: younes.jelodari@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ایلام

تاریخ پذیرش: 97/6/10

تاریخ دریافت: 96/12/3

متعدد و متنوع دارد، از جنبه محتوا و زمینه معنوی، موضوعات و مضامینی چون عشق، مدح، وصف، مرثیه، شکواییه و نظایر آن را در بر می‌گیرد. عشق که از عواطف پایا و بنیانی انسان است و در جلوه‌های گوناگون خویش ماده بسیاری از آثار ادبی را تشکیل می‌دهد، در ادبیات فارسی بیشتر در قالب غزل و منظومه‌های غنایی متجلی شده است. در منظومه‌های غنایی، بر خلاف غزل که محمل بیان احساسات و عواطف گوینده است، شاعر داستانی از پیش موجود را به نظم می‌کشد و از خلال روایت و کنش شخصیت‌ها و گفتگوهای آنان، مستقیم و غیر مستقیم به بیان عواطف خویش می‌پردازد.

### 1-1- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

در تاریخ ادب فارسی داستان‌های غنایی بسیاری سروده شده است که برخی منشأ ایرانی دارند و بخشی از ادبیات سامی و اسلامی أخذ شده‌اند. نمونه دسته اول، منظومه‌های *بیژن* و *منیره* و *ویس و رامین* است که هر دو منشأ پارسی دارند (خالقی مطلق، 1369: 284 - 289). از دسته دوم ورقه و *گلشاه*، *لیلی* و *مجنون* و *یوسف و زلیخا* درخور ذکرند. داستان اخیر که در سفر تکوین از کتاب مقدس آمده و در قرآن کریم در سوره یوسف بیان شده، از داستان‌های غنایی معروف است که در ادبیات فارسی بارها به نظم درآمده است. یکی از سرایندهگان این داستان، ناظم هروی گوینده برجسته سده یازدهم هجری است که *یوسف و زلیخای* او با بیش از پنج هزار بیت، در شمار بهترین منظومه‌های *یوسف و زلیخای* ادبیات فارسی محسوب می‌شود. این پژوهش در پی معرفی شاعر و شناخت منظومه اوست. سؤالات اصلی این پژوهش به این شرح است؛

1. ناظم هروی کیست و منظومه *یوسف و زلیخای* او دارای چه ارزش‌هایی است؟
2. ریشه و پیشینه اجزای روایت او را در کدام منابع باید جستجو کرد؟
3. جایگاه عناصر شعر و هنر شاعری وی در منظومه *یوسف و زلیخا* چیست؟

### 2-1- اهداف و ضرورت تحقیق

این پژوهش در پی معرفی، نقد و تحلیل *یوسف و زلیخای* ناظم هروی است. برای نیل به این

هدف ابتدا بر مبنای منابع کهن دربارهٔ احوال و آثار ناظم هروی بحث می‌شود. سپس گزارش روایت او و مآخذ اجزای آن ارائه می‌گردد و در پایان دربارهٔ عناصر شعر و هنر شاعری وی بحث می‌شود. ضرورت انجام این تحقیق بیان ارزش‌ها و تحلیل یکی از مهمترین منظومه‌های یوسف و زلیخا در ادب فارسی است.

### 3-1- روش تفصیلی تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی بر مبنای منابع کتابخانه‌ای انجام می‌شود. در هر بخش تلاش می‌شود منابع کهن و دسته اول مبنای تحقیق قرار بگیرد و یافته‌ها به صورت روشن عرضه گردد.

### 4-1- پیشینه تحقیق

علیرغم پایگاه رفیع ناظم هروی در شعر فارسی و آثار ارزشمند برجای مانده از او، شمار پژوهش‌های صورت گرفته دربارهٔ زندگی و شعر وی به خصوص منظومهٔ یوسف و زلیخا اندک است. دربارهٔ منظومهٔ او جز اشاراتی که در ضمن بررسی سیر داستان یوسف و زلیخا و سرایندگان آن در تاریخ ادب فارسی هست، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. این منظومه که بیش از یک قرن پیش، یکبار در مطبعهٔ نولکشور هندوستان به سال 1286 ه. ق. به اهتمام محمد انوار حسین تسلیم، در 5000 بیت (نک: ناظم هروی، 1286: 128) و بار دیگر به کوشش مهمان‌خان بن مظفرخان توره در تاشکند، به سال 1322 ه. ق. در 5206 بیت (نک: ناظم هروی، 1322: 1) به چاپ سنگی رسیده، تاکنون با وجود در دست بودن نسخه‌های معتبر (نک: درایتی، 1389، ج 10: 1253 - 1245)، به چاپ انتقادی نرسیده است. دیوان ناظم هروی به دست محمد قهرمان تصحیح شده و با مقدمه‌ای در شناخت شاعر و آثار وی به چاپ رسیده است. مصحح در مقدمه در سه صفحه به اختصار یوسف و زلیخای او را معرفی کرده است (ناظم هروی، 1374، مقدمهٔ مصحح: 48 - 50). شاه محمد مصلح از محققان افغانی طی پژوهشی با عنوان ناظم هروی: سخن پرداز معروف سدهٔ یازدهم در بخش تألیفات شاعر به معرفی مختصر یوسف و زلیخا پرداخته است (مصلح،

1390: 26 - 34). نجیب مایل هروی هم در مقاله‌ای بسیار کوتاه با عنوان «ناظم هروی و آثار او» در پنج صفحه شرح حال کوتاهی از زندگی و آثار شاعر نگاشته است (مایل هروی، 1357: 61 - 65). احمد نیکوهمت در مقاله‌ای با عنوان «سیری در مثنوی‌های یوسف و زلیخا» ضمن توجه به پیشینه قصه، در طی بررسی منظومه‌ها اشاره کوتاهی به منظومه ناظم هروی داشته است (نیکوهمت، 1353: 305 - 306). محمد حسین حاجتی در کتاب *منظومه‌های یوسف و زلیخا در ادب فارسی* پس از بحثی درباره پیشینه داستان در کتاب‌های آسمانی، به معرفی منظومه‌های غنایی با عنوان یاد شده پرداخته (حاجتی، 1387: 15 - 49) و در سه صفحه به اختصار تمام ناظم هروی و منظومه او را معرفی کرده است (همان: 255 - 257). همچنین علی اصغر باباصفیری در کتاب *داستان‌های عاشقانه در ادب فارسی*، به معرفی موجز منظومه‌های یوسف و زلیخا در تاریخ ادب فارسی پرداخته است (باباصفیری، 1392: 618 - 647). استاد عبدالرسول خیامپور در مقاله‌ای با عنوان «یوسف و زلیخا» که در چند شماره نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز منتشر شده، ریشه روایت در *تورات و قرآن کریم* و بازتاب این قصه در ادبیات فارسی را بررسی کرده است (خیامپور، 1337: 222). با این همه تاکنون تحقیقی دقیق در معرفی و تحلیل یوسف و زلیخای ناظم هروی صورت نگرفته است.

## 2- زندگی و آثار ناظم هروی

### 2-1- زندگی

ملاً فرخ حسین هروی متخلص به ناظم فرزند شاه رضای سبزواری از شاعران معروف سبک هندی در سده یازدهم هجری است. ولادت او ظاهراً در سال 1016 هجری بوده است (صفا، 1386، ج 5: 1267). پدر او سبزواری است، به همین دلیل برخی منابع ناظم را زاده سبزواری دانسته‌اند (سیستانی، بی تا: برگ 398). ناظم هروی که از شاگردان فصیحی هروی بوده (صبا، 1343: 797)، پس از فراگیری علوم رایج روزگار به دستگاه حسن خان شاملو - که پس از پدر به منصب بیگلربیگی خراسان رسید (نک: اسکندریگ ترکمان، 1382، ج 3: 942 و 1084) و درگاه او ملجأ شاعران بود (نک: همان، 1317: 287؛ نصرآبادی، 1317: 20) - پیوست و در خدمت او و فرزندش عباس

قلی‌خان که طبع شعر داشت و در سال 1050 ه. ق. به فرمان شاه صفی در هرات به جای پدر نشست (بیگدلی، 1372، ج 1 و 2: 1047)، با احترام زیست و آنان را مدح کرد. گذشته از ممدوحان یاد شده، شاه عباس دوم را نیز ستوده است.

ناظم در قیاس با برخی شاعران زمان کمتر سودای سفر داشته با این حال چند بار به مشهد و یک بار به اصفهان رفته و فریضه حج را هم به جا آورده است. برخی او را از زمره شاعران مسافر هند دانسته‌اند (نک: صبا، 1343: 797؛ لودی، 1324: 79). در مقابل بعضی منابع منکر سفر او به هند شده‌اند (سرخوش، 1942: 114؛ مصلح، 1390: 11). از اشاره او در *یوسف و زلیخا* برمی‌آید که به هندوستان نرفته است (ناظم هروی، 1322: 191). ناظم شاعری شیعه مذهب است و بارها ارادت خود را به خاندان رسالت ابراز داشته است (ناظم هروی، 1374: 405، 415، 424؛ همان، 1322: 14). برخی منابع خلق و خوی او از جمله مهربانی و خیرخواهی وی را ستوده‌اند (نصرآبادی، 1317: 330 و نیز نک: ناظم هروی، 1322: 190 - 191). پایگاه رفیع وی در سخنوری توجه منابع کهن را جلب کرده و از او با عناوینی چون «انتظام بخش امور مملکت نظم و نثر» (شاملو، نسخه خطی شماره 3986: برگ 421)، «عمده ناظران جواهر معانی و زبده گهربندان عرایس سخندان» (آزاد بلگرامی، 1392: 134)، «استاد خوش خیال و صاحب زبان» (سرخوش، 1942: 114) و «جامع کمالات ذاتی و صفاتی» (گوپاموی، 1336: 722) یاد کرده‌اند. در سال وفات او اختلاف است. درست‌ترین قول در تاریخ وفات وی سال 1081 ق است (خیامپور، 1368، ج 2: 916؛ ناظم هروی، 1374، مقدمه مصحح: 52). از آنجا که به تصریح خود، یوسف و زلیخا را در 1072 ق به پایان رسانده است (ناظم هروی، 1322: 190)، قول برخی منابع که وفات او را پیش از این تاریخ نوشته‌اند (صبا، 1343: 797؛ لودی، 1324: 79)، خالی از اعتبار است.

## 2-2- آثار ناظم

2-2-1- *دیوان اشعار*. شامل 883 غزل، 32 قصیده، 18 قطعه، 1 ترجیع‌بند، 12 ترکیب‌بند، 141 رباعی، 3 مثنوی و ابیات پراکنده که به همت استاد محمد قهرمان تصحیح و در سال 1374 چاپ شده است.

2-2-2- منشآت. مؤلف تذکره قصص الخاقانی منشآت را به ناظم نسبت داده (شاملو، نسخه خطی

شماره 3986: برگ 421) و خود شاعر نیز در دیوان و یوسف و زلیخا، به نثر خویش اشاره کرده است (نک: ناظم هروی، 1374: 763؛ همان: 1322: 21). با این حال امروز از منشآت او چیزی در دست نیست.

**2-2-3- یوسف و زلیخا.** معروف‌ترین اثر ناظم هروی، منظومه یوسف و زلیخا است. شهرت این منظومه از همان دوره شاعر به اطراف و اکناف رسیده است؛ شاملو در *قصص الخاقانی* گفته است: «هر نکته از کلمات عشق و حسن آیاتش به وجود مسعود یوسف زلیخای لفظ و معنی بر مصر کلام عزیزان طعنه‌زن [است]» (شاملو، نسخه خطی شماره 3986: برگ 421). سرخوش نیز گفته است: «مثنوی یوسف زلیخا به آداهای رنگین گفته، همه جا در وی تلاشها کرده» (سرخوش، 1942: 113-114). میرغلامعلی آزاد بلگرامی ناقد برجسته سبک هندی، سرایش یوسف و زلیخا را برهان استعداد ناظم دانسته است: «برهان استعدادش مثنوی یوسف زلیخاست که یوسف سخن را از چاه و زندان و ارهاند و به مصر بلندپایگی برده بر تخت نشاند» (آزاد بلگرامی، 1392: 134). مؤلف تذکره حسینی در این زمینه گفته است: «یوسف و زلیخا بهتر از او کسی نگفته است» (حسینی، 1875: 356). مؤلف تذکره نتایج الافکار نیز نوشته است: «مثنوی یوسف زلیخا از تصانیف او مشهور است و بلاغت را گنجور» (گوپاموی، 1336: 723). برای موارد دیگر ر.ک. (کاکوروی، 1385: 248)؛ (غنی، 1916: 132) و (بهادر، 1386: 711). تنها آذر بیگدلی، از ناظران داستان یوسف و زلیخا و از معارضان ناظم هروی، گفته است: «مثنوی یوسف زلیخا دارد که قابل شنیدن نیست» (آذر بیگدلی، 1338: 775).

### 3- داستان یوسف و زلیخا به روایت ناظم هروی و مآخذ آن

#### 3-1- خلاصه داستان

مطابق گزارش ناظم هروی زندگی یوسف (ع) با حوادثی چون مرگ مادر و پرورش توسط دایه، اتهام ساختگی سرقت کمربند، درختی غریب در خانه پدر، حسد برادران، رنج چاه و انتقال به مصر قرین می‌گردد و در مصر رخدادهایی چون عشق زلیخا، زندان، پیشگویی خشکسالی، هدایت مصریان، ازدواج با زلیخا و استعلای عشق این دو به محبت خداوندی، برای او پیش می‌آید.

### 3-2- ساختار کلی منظومه

یوسف و زلیخای ناظم هروی، گذشته از اصل داستان، همانند بسیاری از منظومه‌های دیگر، دارای مقدمات و مؤخراتی است. منظومه با توحید و مناجات، نعت نبی اکرم(ص)، وصف معراج، منقبت اهل بیت(ع) آغاز می‌شود و آنگاه وصف عشق و ستایش سخن طرح می‌گردد. شاعر سپس به وصف شهر هرات و سبب نظم کتاب و مدح شاه عباس ثانی و عباس قلی‌خان می‌پردازد. آنگاه متن داستان را که خلاصه آن پیشتر ذکر شد، می‌آورد. انجام کتاب نیز شامل حسب حال در توصیف پیری و جوانی، شکرگزاری، تاریخ آغاز و انجام منظومه، بیان دشواری‌های کار و وصف خلق و خوی خویش، مدح مجدد حسن‌خان و عباس قلی‌خان و دعا و نیایش در ختم منظومه است. ناظم هر بخش را با براعت استهلالی آغاز می‌کند و با آوردن دو بیت ساقی‌نامه به پایان می‌رساند. روایت داستان ستون فقرات منظومه و عامل اصلی انسجام آن است. در طی روایت عواملی چون پرداختن بیش از حد به وصف مناظر، توصیف حالات و صفات شخصیت‌ها، طرح مباحث ادب تعلیمی، بیان احساسات و عواطف گوینده و ذکر حکایات، گهگاه سبب شده تا شاعر از اصل داستان دور افتد.

### 3-3- ورود داستان یوسف و زلیخا به ادبیات فارسی

طبیعی است داستان یوسف و زلیخا با این موضوع جالب در چارچوب تفاسیر و روایات دینی محدود نماند و به ادبیات فارسی وارد گردد، چنانکه در تاریخ ادبیات فارسی از دوره سامانیان تا اواخر سده سیزدهم بارها به نظم کشیده شده است. بر مبنای گفته شاعری با تخلص «شمسی» که ناظم منظومه یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی است، نخستین بار ابوالمؤید بلخی و پس از وی شاعری به نام بختیاری این داستان را به نظم کشیده‌اند(خیامپور، 1337: 433). اگر بتوان به گفته مؤلف این منظومه اعتماد کرد، ابوالمؤید بلخی نخستین ناظم داستان یوسف و زلیخا در زبان فارسی است و پس از او شاعری با تخلص بختیاری که در سده چهارم در اهواز می‌زیسته است(باباصفیری، 1392: 619 - 620). پس از آن دو، نوبت خود شمس است که هرچند اثر او با زبانی سست به قصد معارضه با شاهنامه پدید آمده است، اما نخستین منظومه موجود یوسف و زلیخا به زبان فارسی است و جز روایت قرآن کریم در برخی جزئیات به روایت تورات نزدیک است. دومین منظومه موجود با عنوان یوسف و زلیخا از آن خواجه مسعود قمی شاعر سده نهم و از معاشران امیرعلیشیر نوابی است(قمی، 1380: 14) که چند سال پیش از جامی به نظم این داستان پرداخته است.

نورالدین عبدالرحمان جامی شاعر عارف سده نهم نیز در سال 888 ه.ق. در 70 سالگی این داستان را به نظم کشیده است. جامی بر خلاف سرایندگان منظومه‌های پیشین که یوسف و زلیخا را در بحر متقارب مثنی محذوف یا مقصور سروده‌اند، بحر هزج مسدس محذوف یا مقصور را برگزیده است و اغلب سرایندگان بعد از او از این حیث پیرو وی بوده‌اند. در مجموع منظومه او از حیث ادبی قابل توجه است، اما وجه داستانی آن با یوسف و زلیخای شمس‌ی برابر نیست (خیامپور، 1338: 48 - 49). پس از جامی جز ناظم هروی که درباره منظومه او به تفصیل سخن خواهیم گفت، آذر بیگدلی، شعله گلپایگانی، شهاب ترشیزی، حاذق هروی و بسیاری از دیگر شاعران داستان یوسف و زلیخا را به نظم کشیده‌اند (بابا صفری، 1392: 619 - 647؛ درایتی، 1389، ج 11: 1246 - 1257).

### 3-4- منابع و مآخذ روایتِ ناظم هروی

داستان یوسف و زلیخا که با سبکی تاریخی‌نما و با ذکر جزئیات در تورات آمده (کتاب مقدس، 1383، سفر تکوین: 51 - 102)، با اندکی اختصار و ایجاز در قرآن کریم نیز روایت شده است. در تفاسیر و کتب قصص الانبیاء نیز جزئیاتی در توضیح و تفسیر رخدادهای داستان نقل شده است که گاه به روایت تورات و تفاسیر آن برمی‌گردد (خیامپور، 1337: 418 - 421). روایت قرآن کریم با کتاب مقدس واجد برخی تفاوت‌هاست. جز منابع یاد شده برخی تفصیلات و روایات در تفاسیر فارسی هست که غالباً از مقوله اسرائیلیات است و بر منظومه‌های یوسف و زلیخای زبان فارسی از جمله منظومه ناظم هروی تأثیر نهاده است. برخی از مهمترین بخش‌ها و ریخت‌های داستان به روایت ناظم و مآخذ و منابع آنها که شاعر مستقیم یا غیر مستقیم از آن منابع متأثر بوده، چنین است:

### 3-4-1- درخت رازآمیز در خانه یعقوب

بنا بر روایت ناظم هروی، در خانه یعقوب (ع) درختی خاص بود که هنگام تولد هر پسر، شاخه‌ای از آن می‌رست و چون پسر بزرگ می‌شد پدر از آن شاخ عصبی برای وی می‌ساخت. این درخت به هنگام تولد یوسف شاخه‌ای برآورد رشیدتر و بهتر (ناظم هروی، 1322: 35)

ز دیگر شاخ‌ها ممتاز چندان	چو سرو از سبزه و یوسف ز اخوان
چو یوسف شد هم‌آغوش رسایی	کشید آن شاخ گردن بر عصایی
به سرسبزی رسد تا بخت آن چوب	به قطعش تیزدم گردید یعقوب

(همان: ص 36)



این بخش از داستان در قرآن کریم نیامده است. در تورات نیز به این صورت وجود ندارد، اما عنصری نباتی هست که از یک سو شبیه سجده کردن ماه و خورشید در خواب بر یوسف است و از سوی دیگر ارتباطی با تفرّد یوسف و برتری او بر برادران دارد؛ یوسف و برادران در میان کشتزار دسته‌های گیاه را می‌بندند. دسته گیاه او راست می‌ایستد و دسته‌های دیگر برادران خم می‌شوند و به دسته گیاه او تعظیم می‌کنند: «اینک در میان کشتزار دسته‌ها را می‌بستیم و اینک دسته من برخاسته راست ایستاد و ناگاه دسته‌های شما در اطراف ایستادند و دسته مرا خم شدند» (کتاب مقدس، 1383: 71). روایت ناظم با اندکی تفاوت در سه تفسیر مهم به زبان فارسی آمده است. «در میان سرای یعقوب درختی برآمده بود که هر گه که وی را پسری زادی، شاخی تازه از آن درخت برآمدی و چنانکه کودک می‌بالیدی و بزرگ می‌شدی آن شاخ بزرگ می‌شدی. پس چون کودک به حد مردی رسیدی آن شاخ ببریدی و از آن عصای ساختی و به آن فرزند دادی» (مبیدی، 1357، ج 5: 6). و نیز ر. ک. (ابوالفتوح رازی، 1367، ج 11: 9؛ فراهی هروی، 1384: 102-103). این بخش داستان در منظومه‌های یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی و خواجه مسعود قمی نیامده، اما جامی آن را در منظومه خویش آورده است (جامی، 1377: 125-126).

### 3-4-2- اتهام سرقت کمر بند

در تورات و قرآن کریم به این امر اشاره‌ای نیست، اما در تفاسیر به کرات آمده است؛ چون مادر یوسف از دنیا رفت خواهر یعقوب سرپرستی او را بر عهده گرفت و هر روز یکبار او را نزد پدر می‌برد. اما «یعقوب گفت مر این خواهر را که من از این فرزند همی نشکیم. باید که تو او را به من باز دهی» (طبری، 1367، ج 3: 765). خواهر یعقوب که یوسف را بسیار دوست داشت با بستن کمر بند اسحاق بر کمر وی و متهم کردن او به سرقت، مطابق قانون آن روزگار یوسف را بنده خود خواند و مدتی او را با این ترفند نزد خود نگه داشت (همان). این بخش مهم که ناظم هروی آن را در طی ابیات متعدد به نظم کشیده است (نک: ناظم هروی، 1322: 30-34)، با اندکی افزود و کاست، در منظومه‌های یوسف و زلیخای پیش از ناظم هم آمده (نک: فردوسی، بی تا: 35 و 216؛ قمی، 1380: 99؛ جامی، 1377: 85) و در دیگر تفاسیر ذکر شده است (ابوالفتوح رازی، 1367، ج 11: 73 و 124-125؛ سورآبادی، 1380، ج 2: 1167؛ مبیدی، 1357، ج 5: 114؛ فراهی هروی، 1384: 100-102 و 653).

### 3-4-3- نگرستن یوسف در آینه و تعجب از حسن خود

از جمله بخش‌های عاطفی داستان که ناظم هروی آن را به زیبایی سروده (ناظم هروی، 1322: 93-94)، نگرستن یوسف در آینه و اعجاب وی از زیبایی خویش است. «یوسف - علیه السلام - یک روز در آینه نگرید. جمال او، او را به عجب آورد. گفت: اگر من بنده‌ای بودمی بهای من کس ندانستی که چند است. امتحان کردند او را و بهای او را به او نمودند درمی چند شمرده» (ابوالفتوح رازی، 1367، ج 11: 34). برای مآخذ بیشتر ر. ک. (میبیدی، 1357، ج 5: 43؛ فراهی هروی، 1384: 325). این بخش داستان، در قرآن کریم، تورات و منظومه‌های خواجه مسعود قمی و جامی نیست. در یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی یوسف تصویر خود را در آب چاه می‌بیند (فردوسی، بی تا: 65، 82 و 106).

### 3-4-4- آوردن گرگ نزد یعقوب

حیله برادران یوسف در آوردن گرگ و تلاش برای اقناع یعقوب و گواهی گرگ و روشن شدن ماجرا که ناظم هروی در منظومه خویش آورده (ناظم هروی، 1322: 89 - 90)، در قرآن کریم، تورات و یوسف و زلیخای جامی نیامده است، اما در یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی و منظومه خواجه مسعود قمی هست (فردوسی، بی تا: 72؛ قمی، 1380: 121). «پس ایشان برفتند و گرگی را بگرفتند و پیش پدر آوردند. گفتند این گرگ بود که مر یوسف را بخورد. پدرشان گفت: یا گرگ تو بودی که مر فرزند مرا بخوردی... به زبان فصیح گفت معاذالله که ما چنین کنیم که گوشت پیغامبران بر ما حرام است» (طبری، 1367، ج 3: 770). و نیز ر. ک. (سورآبادی، 1380، ج 2: 1107 - 1109؛ طوسی، 1382: 161 - 165).

### 3-4-5- مدت اقامت یوسف در چاه

در قرآن کریم و کتاب مقدس، مدت دقیق ماندن یوسف در چاه ذکر نشده است. ناظم مدت اقامت او را سه شبانه روز ذکر کرده است:  
سه روزش همنفس باشی به چارم  
بین کان صاف چون می‌جوشد از خم (هروی، 1322: 87)  
که مطابق است با روایت طبری «یوسف سه روز به چاه بود و سه شب بدان چاه اندر بود... پس روز چهارم کاروانی آمد» (طبری، 1367، ج 3: 771). در منظومه‌های یوسف و زلیخای متقدم بر ناظم نیز طول درنگ یوسف در چاه سه روز یا سه شب ذکر شده است (فردوسی، بی تا: 62 و 77؛

قمی، 1380: 125 و جامی، 1377: 136). دیگر منابع مدت توقف یوسف در چاه را از سه تا ده شبانه‌روز نوشته‌اند (ابوالفتوح رازی، 1367، ج 11: 26 و 31؛ سورآبادی، 1380، ج 2: 1109 - 1110؛ طبرسی، 1380، ج 6: 654؛ نیشابوری، 1386: 88 و 90).

### 3-4-6- بهای فروش یوسف

در قرآن کریم از بهای یوسف به صورت «و شروه بئمن بئس دراهم معدوده» (یوسف 12) یاد شده است. در تورات بیست پاره نقره ذکر شده (کتاب مقدس، 1383: 73). در یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی و منظومه خواجه مسعود قمی از هجده درم یاد شده است (فردوسی، بی تا: 81 و 82؛ قمی، 1380: 129). ناظم هروی تصریح کرده که یوسف را به هجده درم به مالک فروختند:

سخن کوتاه مالک برگزیدش      به هژده درهم ناقص خریدش

(ناظم هروی، 1322: 93)

که عیناً مطابق روایت طبرسی و فراهی هروی است «طبق روایت رسیده از حضرت صادق علیه السلام هجده درهم بود» (طبرسی، 1380، ج 6: 663؛ فراهی هروی، 1384: 272). منابع دیگر از بیست، بیست و دو، چهل و هجده درهم سخن گفته‌اند (ابوالفتوح رازی، 1367، ج 11: 33).

### 3-4-7- پیرزن کلاف به دست در صف خریداران

این بخش داستان در قرآن کریم، تورات، یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی و منظومه خواجه مسعود قمی نیامده است، اما در یوسف و زلیخای جامی هست (جامی، 1377: 144). یکی از مآخذ مهمی که به وجود پیرزنی در صف خریداران متمول یوسف اشاره کرده، کتاب *الستین الجامع للطائف البساتین* از احمد بن محمد بن زید طوسی است که با عنوان قصه یوسف چاپ شده است؛ «دیگر روز در میدان کرسی‌های زرین بنهادند... پیرزنی در میانه آمد کلافه ریسمان در دست گرفته. گفتند او را کجا می‌شوی؟ گفت به خریدن یوسف» (طوسی، 1382: 236).

کهن زالی عصایش دست‌مایه      شب مولود گردون بود دایه...  
به دستش مطرب‌آسا رشته‌ای چند      سرود این نغمه تأثیر پیوند  
که با این مایه‌ام گر ذوق سوداست      نیم گستاخ عشقم کارفرماست

(ناظم هروی، 1322: 100)

**3-4-8- گواهی کودک بر بی گناهی یوسف**

مطابق روایت قرآن کریم فردِ گواه شاهدهی است از کسانِ زن (یوسف 12/26). در تورات این بخش نیامده است. در منظومه‌های منسوب به فردوسی، خواجه مسعود قمی و جامی بخشِ گواهی کودک بر بیگناهی یوسف آمده است (فردوسی، بی تا: 144؛ قمی، 1380: 156؛ جامی، 1377: 193-194). ناظم هروی هم آن را در منظومه خویش آورده است (نک: ناظم هروی، 1322: 135 - 136). طبری گفته است که این طفل بود که با تأمل در چاک پشت پیراهن یوسف، بر بیگناهی او استدلال کرد (طبری، 1367، ج 3: 776 - 777). دیگر منابع نیز به این گواهی طفل تصریح دارند (ابوالفتوح رازی، 1367، ج 11: 57؛ نیشابوری، 1386: 99-100؛ فراهی هروی، 1384: 407 - 408 و 417).

**3-4-9- پیری و نابینایی زلیخا و جوان شدن او با دعای یوسف**

از جمله بخش‌های جذاب داستان که ناظم هروی به تفصیل آن را به نظم کشیده، پیری و نابینایی زلیخا و یافتن جوانی و جمال به دعای یوسف و ازدواج با وی و صاحب اولاد گشتن است (ناظم هروی، 1322: 165-183). این بخش داستان در قرآن کریم و کتاب مقدس نیامده است. در یوسف و زلیخای خواجه مسعود قمی هم نیست. در منظومه منسوب به فردوسی این بخش هست، با این تفاوت که زلیخا با دعای یعقوب جوان می‌گردد (فردوسی، بی تا: 249 - 259). روایت جامی نیز شبیه گزارش ناظم هروی است (جامی، 1377: 228 و 238). جوان شدن زلیخا که بستر مناسبی برای پروراندن قصه و تأثیرگذاری بر مخاطب پدید آورده، سخت مورد توجه مؤلفان تفاسیر واقع شده و هر یک در باب آن داد سخن داده‌اند؛ به عنوان نمونه بنگرید به: (ابوالفتوح رازی، 1367، ج 11: 154-155؛ سوراآبادی، 1380، ج 2: 1152-1154؛ طبرسی، 1380، ج 7: 40 - 42؛ میبیدی، 1357، ج 5: 87 - 89).

**3-4-10- استعلای عشق زلیخا به مرحله محبت خداوندی**

تلقى عشق‌های دنیوی به عنوان مقدمه‌ای بر عشق به خدا که در عبارت المجاز قنطره الحقیقه نمود یافته، غالباً مربوط به برداشت‌های صوفیانه از عشق است. در برخی منابع، عشق زلیخا به یوسف مقدمه‌ای برای توجه زلیخا به عشق حق تعالی دانسته شده است «حق تعالی محبت خود در دل زلیخا افکند ... آنگاه زلیخا به عبادت مشغول شد و محبت یوسف فراموش کرد» (نیشابوری،

1386: 148). این بخش در کتاب‌های آسمانی نیامده است. در یوسف و زلیخای خواجه مسعود قمی هم نیست، اما در منظومه منسوب به فردوسی و جامی آمده است (فردوسی، بی تا: 265؛ جامی، 1377: 244). ناظم هروی نیز آن را با بیانی عارفانه سروده است (ناظم هروی، 1322: 184). از میان تفاسیر فارسی، آن را در سه مأخذ یافتیم (مبیدی، 1357، ج 5: 89 - 90؛ طوسی، 1382: 469 - 471؛ فراهی هروی، 1384: 587 - 589).

### 3-5- بخش‌های محذوف داستان

یوسف و زلیخای ناظم هروی فاقد بخشی از اصل داستان است؛ وقوع قحطی و رفتن پسران یعقوب (ع) به مصر و ماجراهای پیش آمده در این سفر چون ماندن بنیامین نزد یوسف و بازگشت برادران و بینا شدن چشم یعقوب با استشمام پیراهن و عفو خطای برادران که در قرآن کریم و در کتاب مقدس (نک: کتاب مقدس، 1383: 82 - 94) آمده، در منظومه یوسف و زلیخای ناظم نیست. از منظومه‌های متقدم، یوسف و زلیخای منسوب به فردوسی (فردوسی، بی تا: 184 به بعد) و منظومه خواجه مسعود قمی (قمی، 1380: 184 به بعد)، این بخش‌ها را آورده‌اند. جامی همانند ناظم هروی این بخش‌ها را از داستان حذف کرده است. ظاهراً چون ماجراهای یاد شده ربط مستقیمی به عشق یوسف و زلیخا ندارد، جامی و ناظم آن را از منظومه خویش حذف کرده‌اند.

### 4- عناصر شعر

گذشته از روایت جذاب یوسف و زلیخای ناظم هروی که قوام‌بخش محتوا و بخشی از عواطف این متن است و به اقتضای مجال پژوهش از آن سخن گفتیم، دیگر عناصر شعر به ویژه عنصر تخیل و زبان در این منظومه دارای برجستگی خاص و از عوامل توفیق آن است. از دیگر اختصاصات این منظومه در حوزه صورت، وجود ساقی نامه است.

#### 4-1- تخیل

تخیل به اعتقاد بسیاری از ناقدان، از کهن‌ترین روزگار تا به امروز، فصل ممیز شعر از دیگر کاربردهای زبان به شمار می‌آید. «خیال عنصر اصلی شعر در همه تعریف‌های قدیم و جدید است» (شفیعی کدکنی، 1380: 3). کثرت تصاویر، نوآوری در تصویر، پیوند تصویر با فعل، غلبه عناصر انتزاعی، کثرت استعاره، تشبیه و تشخیص از عمده‌ترین ویژگی‌های صورخیال در یوسف و

زلیخا است. پیوند موارد یاد شده با علاقه شدید شاعر به ترکیب‌سازی در این منظومه چشمگیر است. ابیات زیر در توصیف شب نمونه‌ای است در بیان شیوه تصویرگری ناظم هروی:

شبی چون خواب یوسف روشنی‌جوش      چو صبحش پنجه خورشید بر دوش  
 نسیمش مغز را هشیار کرده      هوایش عشق را بیدار کرده  
 فرح‌مضمون چو انشای محبت      سواد اصل سودای محبت  
 به ظاهر تیره چون ابر بهاری      ولی در باطنش خورشید جاری...  
 شهاب آتش‌زبانِ گرم‌گفتار      که حرف عاشقی می‌کرد تکرار

(ناظم هروی، 1322: 45)

غالب تصاویر منظومه نوآیین است و حاصل تأمل و تجربه شخصی شاعر؛ تذرو نخوتش ریزد پر شرم (همان: 108)، دلش صد گله غم را شد چراگاه (همان: 105)، طرب داماد شد غم را عذب کرد (همان: 59)، دلش بر لب دویدی همچو تبخال (همان: 49)، جهان را طفل دولت در شکم بود (همان: 41). از مختصات تصاویر این منظومه، توجه خاص شاعر به عناصر انتزاعی است که از ویژگی‌های سبک هندی محسوب می‌شود (نک: شفیع کدکنی، 1378: 41). فرود آمد چو دولت بر در شاه (ناظم هروی، 1322: 60)، چرا چین بر جبین باشم چو هجران (همان: 66)، به راه صبر چون طاقت روان شد (همان: 66)، چو دانش دستگیر شاه و درویش (همان: 68). مضمون‌یابی و نازک‌خیالی که از ویژگی‌های مهم سبک هندی است در یوسف و زلیخا نیز کاربردی وسیع یافته و مضامین با خیالات لطیف و نازک درآمیخته است:

زلیخا هر نفس جاسوس آهی فرستادی هم آغوش نگاهی  
 (ناظم هروی، 1322: 118)

شبی دزدانه می‌رفتیم با هم به زندان چون به جیب غنچه شب‌نم  
 (همان: 150)

ز هر کس پادشه تعبیر پرسید به جز آواز پای ناله نشنید  
 (همان: 150)

## ۴-۲- زبان شعر

زبان از مهمترین عناصر شعر است. «شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد و در حقیقت گوینده شعر، با شعر خود عملی در زبان انجام می‌دهد که خواننده میان زبان شعری او و زبان روزمره و عادی... تمایزی احساس می‌کند» (شفیعی کدکنی، 1379: 3). زبان شعر یوسف و زلیخا دارای اختصاصات چشمگیری چون ترکیب‌سازی، نزدیکی به زبان محاوره، گسترش دایره واژگان و توجه به امثال و حکم است. برجسته‌ترین ویژگی این منظومه در بُعد زبانی، ترکیب‌سازی است. شاعر در این زمینه متأثر از نظامی است. چند نمونه: لاغرخیال (ناظم هروی، 1322: 3)، چراغان جنون (همان: 58)، طلاق‌آباد عالم، انگبین راز (همان: 61)، خدمت‌ور (همان: 70)، رسوایی-افروز (همان: 77)، صفیر آماده کلک بلبل آهنگ (همان: 115)، ششدر بنای هفت‌خانه (همان: 124)، قرارآباد (همان: 145)، ناله پیرا (همان: 174). افراط در ترکیب‌سازی گاه شاعر را به ساخت ترکیبات خلاف قاعده کشانده است؛ که شاها شاه‌تر بادی ز شاهان (همان: 74)، مهلتانه (همان: 147)، غضبناکانه (همان: 177). ترکیبات فعلی و کنایی نیز در این منظومه بسیار است؛ آتش در کاهدان نخوت کسی زدن (همان: 16)، ناف بریدن به چیزی (همان: 41)، مور در گریبان کسی افشاندن (همان: 65)، با هم پدر فرزند بودن (= کمال سازگاری) (همان: 72)، پشت دست کسی بر خاک نهادن (= او را شکست دادن) (همان: 134)، از دوک کسی بدریسی دیدن (همان: 147). نزدیکی به زبان محاوره عصر که از مهم‌ترین ویژگی‌های زبان شعر دوره صفویه است (نک: شفیعی کدکنی، 1378: 43)، در سخن ناظم نیز مصادیق متعدد دارد؛ گُل گُل (نقطه نقطه) (ناظم هروی، 1322: 7)، پا خوردن (نه چندانی که از غفلت خورد پا) (همان: 57)، ته به ته (که مغز غنچه باشد ته به ته پوست) (همان: 65)، نان کسی در روغن افتادن (همان: 104)، گرد کسی گردیدن (همان: 128)، شیطان در پوست داشتن (همان: 130)، موی دماغ کسی بودن (همان: 188). یکی از جلوه‌های توسعه دایره واژگان، کاربرد لغات جدید است؛ عینک (همان: 13)، خانم (همان: 50)، فرنگی لعبتان (همان: 131)، خیابان (= بوستان) (همان: 24). از دیگر اختصاصات مهم یوسف و زلیخا اشتغال بر امثال و حکم است. برخی از این ضرب‌المثل‌ها از نوادر امثال و حکم در تاریخ ادبیات فارسی است؛ جوانِ مرده به از پیرِ زنده (همان: 189)، عزب را اعتبار کدخدا نیست (همان: 180)، چو خوان برخاست می‌گردد مگس کم (همان: 168)، کجا از غنچه کار گلبن آید (همان: 167)، بود انکار جرم از جرم بدتر (همان: 166)، که آب از خون نجوشد شادی از غم (همان: 153)، کند گلزار دل را

گوربانی (همان: 147)، نمک را چون نمکدان داشتم پاس (همان: 134)، جزا بیش است دزد خانگی را (همان: 133)، گناهی به که خون بیگناهی (همان: 128)، بود مو تیره از هر جا برآید (همان: 110)، نصیر مخلص و منقار بال است (همان: 67)، بود از زور بازو قوت مشیت (همان: 38)، خم انصاف مشکن خسروی کن (همان: 18).

#### ۴-۳- ساقی نامه

بنا بر احصای ما ناظم هروی در یوسف و زلیخا 106 بیت در نوع ساقی نامه، سروده است. او 53 بار در پایان مباحث و پیش از شروع بخشی دیگر، ساقی و در چند مورد معدود مطرب را مخاطب ساخته و از آنان باده و آهنگ درخواست کرده است. ابیات ساقی نامه او، محل ظهور احساسات و عواطف لطیف و از زمره بهترین مصادیق ادبیات غنایی است. مضامین این ابیات گردش می، بی خبری از کار جهان، بی وفایی روزگار، گذر عمر و تأسف بر سرنوشت آدمی است. چند نمونه:

بیا مطرب که عشق شورش آهنگ به جیب بی خودی پر می زند چنگ  
باز از نغمه ای معجون تدبیر که این بم را کند کیفیتش زیر  
(ناظم هروی، 1322:

بیا ساقی که نوروز وصال است (119)

بده جامی که بگشایم زبان را زلیخای جهان یوسف مثال است  
مبارک باد گویم عاشقان را

بیا ساقی که مردن در کمین است (همان: 102)

بده جامی که گردد تازه جانم علاجش باده جان آفرین است  
شود فواره روح استخوانم

(همان: 189)

#### ۵- نتیجه

داستان یوسف و زلیخا از جمله معروفترین داستان‌های غنایی ادبیات سامی است که در سفر تکوین کتاب مقدس و در یکی از سوره‌های قرآن کریم نقل شده و به سبب جذابیت‌های گوناگون از دیرباز وارد ادبیات فارسی شده و شاعران متعددی چون شمس، خواجه مسعود قمی و جامی آن



را به نظم کشیده‌اند. یکی از سرایندگان داستان یوسف و زلیخا، ناظم هروی شاعر برجسته سبک هندی در سده یازدهم هجری است که منظومه او در ابعاد روایی، زبانی و بلاغی دارای ارزش‌های متعدد است. یوسف و زلیخای ناظم هروی از جنبه روایی نسبت به روایت تورات و قرآن کریم افزود و کاست‌هایی مختلفی دارد که ریشه این امر به تفاوت روایت در منابع پیش از ناظم برمی‌گردد. روایت قصه در کتاب مقدس و قرآن کریم در عین اشتراک در بسیاری از موارد، واجد برخی اختلاف‌ها نیز هست. عامل دیگر این افزود و کاست‌ها گزارش متفاوت جزئیات داستان در تفاسیر و کتب قصص الانبیاء است که در منظومه‌های یوسف و زلیخا از جمله منظومه ناظم هروی تأثیری آشکار گذاشته است. در این پژوهش، ریشه بسیاری از بخش‌های جذّاب داستان، در منابعی چون تفسیر طبری، تفسیر سورآبادی، تفسیر ابوالفتح رازی، حدائق الحقایق فراهی هروی، مجمع‌البیان طبرسی، الستین الجامع للطائف البساتین طوسی و منظومه‌های یوسف و زلیخای متقدم بر ناظم هروی نشان داده شد. یوسف و زلیخای ناظم هروی در ابعاد زبانی و بلاغی نیز واجد ارزش‌های ویژه‌ای است. برجسته‌ترین ویژگی زبانی آن، توجه خاص شاعر به ترکیب‌سازی است. نزدیکی به زبان محاوره، گسترش دایره واژگان و توجه ویژه به امثال و حکم از دیگر ویژگی‌های این منظومه است. در زمینه تخیل، کثرت تصاویر، نوآوری در تصویر، پیوند تصویر با فعل، غلبه عناصر انتزاعی، کثرت استعاره، تشبیه و تشخیص از اختصاصات عمده این منظومه است. یوسف و زلیخای ناظم هروی هم از جهت عنصر روایت و ریشه‌های آن و هم از نظر عناصر شعری چون زبان و تخیل و عاطفه، در شمار موفق‌ترین و برجسته‌ترین منظومه‌های یوسف و زلیخا در تاریخ ادبیات فارسی است.

#### ۶-منابع

##### ۱-قرآن کریم.

- ۲-آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ، آتشکده، تصحیح حسن سادات ناصری، تهران: امیرکبیر، 1338.
- ۳-آزاد بلگرامی، غلامعلی، سرو آزاد، به کوشش زهره نامدار، تهران: شرکت سهامی انتشار، 1392.

- ۴- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، جلد یازدهم، تصحیح محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: آستان قدس رضوی، 1367.
- ۵- اسکندریگ ترکمان، *تاریخ عالم آرای عباسی*، جلد سوم، زیر نظر ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، 1382.
- ۶- اسکندریگ ترکمان و محمد یوسف مورخ، *ذیل تاریخ عالم آرای عباسی*، تصحیح سهیلی خوانساری، تهران: چاپخانه اسلامی، 1317.
- ۷- باباصفیری، علی اصغر، *فرهنگ داستان‌های عاشقانه در ادب فارسی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، 1392.
- ۸- بهادر، محمد صدیق حسن خان، *تذکره شمع انجمن*، تصحیح محمد کاظم کهدویی، یزد: دانشگاه یزد، 1386.
- ۹- بیگدلی، غلامحسین، *تاریخ بیگدلی - شاملو*، جلد اول و دوم، با دستیاری محمدرضا بیگدلی، تهران: فتحی، 1372.
- ۱۰- جامی، عبدالرحمن، *مثنوی یوسف و زلیخا*، به اهتمام ناصر نیکویخت، تهران: آوای نور، 1377.
- ۱۱- حاجتی، محمد حسین، *منظومه‌های یوسف و زلیخا در ادب فارسی*، مشهد: شاملو، 1387.
- ۱۲- حسینی، میرحسین دوست سنهلی، *تذکره حسینی*، لکهنو: مطبعه نولکشور، 1875م.
- ۱۳- خالقی مطلق، جلال، «بیژن و منیژه و ویس و رامین»، *ایران‌شناسی*، شماره 6، صص 273 - 1369, 298.
- ۱۴- خیامپور، عبدالرسول، *فرهنگ سخنوران*، جلد دوم، تهران: طلایه، 1368.
- ۱۵- \_\_\_\_\_، «یوسف و زلیخا»، *نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز*، سال دهم، شماره سوم، صص 221-228 و شماره چهارم، صص 418 - 433، پاییز و زمستان 1337. نیز سال یازدهم، شماره اول، صص 39 - 68، بهار 1338.
- ۱۶- درایتی، مصطفی، *فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*، جلد یازدهم، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، 1389.
- ۱۷- سرخوش، محمد افضل، *کلمات الشعراء*، تصحیح صادق علی لاهوری، لاهور: دانشگاه پنجاب، 1942م.

- ۱۸- سوراآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، **تفسیر سوراآبادی**، جلد دوم، تصحیح علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: فرهنگ نشر نو، 1380.
- ۱۹- سیستانی، ملک شاه حسین بن ملک غیاث‌الدین محمد بن شاه محمود، **تذکره خیرالبیان**، نسخه عکسی هندوستان، لکهنو: مطبعه نولکشور، بی تا.
- ۲۰- شاملو، ولی قلی بیگ، **قصص الخاقانی**، نسخه خطی شماره 3986، تهران: کتابخانه مجلس، بی تا.
- ۲۱- شفیعی کدکنی، محمدرضا، **شعر فارسی از جامی تا روزگار ما**، ترجمه حجت‌الله اصیل، تهران: نشر نی، 1378.
- ۲۲- \_\_\_\_\_، **صور خیال در شعر فارسی**، تهران: انتشارات آگاه، 1380.
- ۲۳- \_\_\_\_\_، **موسیقی شعر**، تهران: انتشارات آگاه، 1379.
- ۲۴- صبا، محمد مظفر حسین، **تذکره روز روشن**، تصحیح محمد حسین رکن‌زاده آدمیت، تهران: کتابخانه رازی، 1343.
- ۲۵- صفا، ذبیح‌الله، **تاریخ ادبیات در ایران**، جلد پنجم، چاپ چهارم، تهران: فردوس، 1386.
- ۲۶- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، **مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن**، جلد ششم و هفتم، ترجمه آیات، تحقیق و نگارش علی کرمی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1380.
- ۲۷- طبری، محمد بن جریر، **ترجمه تفسیر طبری**، جلد سوم، چاپ سوم، تصحیح حبیب یغمایی، تهران: توس، 1367.
- ۲۸- طوسی، احمد بن محمد بن زید، **قصه یوسف (الستین الجامع للطائف البساتین)**، چاپ چهارم، به اهتمام محمد روشن، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1382.
- ۲۹- غنی، مولانا محمد عبدالغنی خان، **تذکره الشعراء**، به اهتمام محمد مقتدی خان شروانی، علیگره: مطبعه انستیتوت، 1916م.
- ۳۰- فراهی هروی، معین‌الدین، **تفسیر حدایق الحقایق (قسمت سوره یوسف)**، چاپ دوم، به کوشش سید جعفر سجادی، تهران: دانشگاه تهران، 1384.
- ۳۱- فردوسی، ابوالقاسم، **تفسیر سوره یوسف یا یوسف و زلیخا**، تهران: کتابفروشی اسلامی، بی تا.

- ۳۲- قمی، خواجه مسعود، یوسف و زلیخا، به تصحیح و اهتمام سید علی آل داوود، تهران: فردوس، 1380.
- ۳۳- کاکوروی، منشی احمد حسین سحر، طور معنی، تصحیح رئیس احمد نعمانی، دهلی نو: مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، 1385.
- ۳۴- کتاب مقدس، ویلیام گلن و هنری مرتن، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران: اساطیر، 1383.
- ۳۵- گویاموی، محمد قدرت‌الله، نتایج الافکار، به اهتمام اردشیر خاضع، بمبئی: چاپخانه سلطانی، 1336.
- ۳۶- لودی، شیرعلی خان، مرآت الخیال، بمبئی: 1324.
- ۳۷- مایل هروی، نجیب، «ناظم هروی و آثار او»، مجله وحید، شماره 234 و 235، صص 61 - 65، 1357.
- ۳۸- مصلح، شاه محمد، ناظم هروی: سخن پرداز معروف سده یازدهم، تهران: سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی و آکادمی علوم افغانستان، 1390.
- ۳۹- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عده‌الابرار، جلد پنجم، چاپ دوم، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر، 1357.
- ۴۰- ناظم هروی، ملّا فرخ حسین، دیوان، تصحیح محمد قهرمان، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، 1374.
- ۴۱- \_\_\_\_\_، یوسف و زلیخا، چاپ سنگی، به اهتمام محمد انوار حسین تسلیم، لکهنو: مطبعه نولکشور، 1286 ه. ق.
- ۴۲- \_\_\_\_\_، یوسف و زلیخا، چاپ سنگی، به اهتمام مهمان‌خان بن مظفرخان توره، تاشکند: مطبعه پورصف، 1322 ه. ق.
- ۴۳- نصرآبادی، محمد طاهر، تذکره نصرآبادی، تصحیح وحید دستگردی، تهران: ارمغان، 1317.
- ۴۴- نیشابوری، ابواسحاق ابراهیم، قصص الانبیاء، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران: علمی و فرهنگی، 1386.
- ۴۵- نیکوهمت، احمد، «سیری در مثنوی‌های یوسف و زلیخا»، مجله وحید، شماره 127، صص 305 - 309، تیر 1353.